

دیدگاه

کار شورایی و لزوم آموزش همگانی



امید علی احمدی  
مدیرعامل هیئت مدیره  
ماتحنلی، دانشکار آزاد

که این نیاز حتمت جامعه را گنجانست به عنوان نمونه در جوامع پیشرفته تر نسبت به گذشته افراد در حوزه‌های مختلف تخصص پیدا کردند متاخری در فرآیند و ناپیوستگی خود به هم دیگر نیاز نوری تعیین خولسته‌های خود به هم دیگر نیاز پیدایش کنند این نیاز موجودند که اسانسان یادگیر نتوانند مانند گذشته در جوامع زندگی کنند که یک نفر برای همه تصمیم می‌گیرد و اساساً چیزی به مشورت از افراد جامعه نیز وجود ندارد حال برای گذار از جوامع سنتی به جوامع مدرن باید همراه ساختارها تغییر اندیشه‌ها نیز پدید آید در جوامع پیشرفته این کار بوسیله آموزش و تربیت صورت گرفت یعنی برای مرکز آموزشی از کودکی به افراد کارهای جمعی را آموزش داده آنها آرازی خولسته‌های خود در گروه‌های مختلف قرار دادند این کودک با دوره به مدرسه و سپس دانشگاه پدیده می‌گردد که چگونه تحقیق و پژوهش علمی عملی خود را به‌جای تحقیقات علمی افرادی به‌صورت جمعی انجام دهد دیگر نظام‌های مدرن در مدارس و دانشگاه‌ها گذشته متفاوت شده و نمره به کار گروهی داده می‌شود به به استعدادهای فردی در دانشکده‌های معنتر کشورها پیشرفته تمام فعالیت‌های علمی به‌صورت کارهای انجام می‌شود به‌عنوان نمونه در سال‌های اخیر کار به دیگر به یک نفر جازه نمی‌دهند بلکه آن‌ها سیستم از یافته‌های علمی برنده جازه نوبل می‌شوند که به صورت جمعی انجام شده باشند بنابراین در می‌بایم که دیگر کارهای فردی در حوزه‌های مختلف نمی‌تواند کامل و جامع باشد باید امورات به‌صورت جمعی انجام شود حال این شرایط نیازی پیشرفته را اگر با وضعیت امروز ایران مقایسه کنیم نتایج علمی نمی‌گیرد مگر در سال گذشته مقاله علمی به‌صورت گروهی توسط دانشمندان و دانشجویان و اساتید ما نوشته و منتشر می‌شود؟ در کدام نظام آموزشی کارهای علمی و تحقیقاتی به‌صورت گروهی انجام می‌شود؟ کدام تصمیم‌گیری در این براساس خرد جمعی و به‌دینتر آری اندکترین اتخاذ خرد جمعی؟ ما حتی صورت نیز در رشته‌های موفق هستیم که نظراتی است مانند کشتی و توکلند بنابراین مهم‌ترین نیاز ما در این دوره کامل آموزش کارهای جمعی به‌افراد آن هم از سنین پایه و کودکی است اما این آموزش‌ها نیز به‌صورت کامل نیست کار زمانی کامل می‌شود که نهادها که سازمان‌ها به این درک برسند که کارهای گروهی اهمیت داده و دیگر به افراد متکی نباشند به‌عنوان نمونه اگر سازمانی می‌خواهد پروژه تخصصی را طراحی و اجرا کند باید کار گروهی متخصص استفاده کرده و به این گروه‌ها اهمیت دهد به طریقی تعاریف کارهای جمعی را به‌این آموزش‌ها می‌باید گروهی و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی با به این گروهی اهمیت ندهند نمی‌توانیم امیدوار به به کامیبت و نهادهای خرد جمعی در کارهای فردی در جوامع خود باشیم.

به‌کندی پیش می‌رود البته علاوه بر این که خلعت عجز بودن ایرانی‌ها در این موضوع موثر باشد، ما ایرانی‌ها اغلب به‌هم بی‌اعتماد هستیم لازمه استفاده از مشاوره و نظر دیگران، اعتماد داشتن به آنهاست. ولی ایرانیان در بیشتر مواقع برای نظر خواهی به دیگران اعتماد و اطمینان نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند کاری که خودشان ترجیح می‌دهند در دست‌انتر انجام دهند. همین‌طور بحث قهرمان‌سازی و پهلوان‌پوری که در فرهنگ ایرانی مایل‌ریزی به این مفهوم است، به‌طوری که یک‌نفر را از لحاظ ویژگی‌های شخصیتی بزرگ می‌کنند یا وجود این که ما در قرآن به صراحت تأکید بر روحیه جمعی و مشورت و روی آوردن به فعالیت گروهی را داریم، آن چیزی که در فرهنگ امروزی ما رایج شده است هم از کار شورایی فاصله دارد.

**فکر می‌کنید این فردگرای که در جامعه ما به‌بنوعی نهادینه شده است، چه تأثیر سوئی در به‌صحت‌های توسعه اجتماعی خواهد داشت؟**  
اولاً از تجارب هم‌دیگر استفاده نمی‌کنیم پس تصمیماتی که می‌گیریم اغلب ناپخته است و همه جواب موضوع را در نظر نمی‌گیریم و نهایتاً به نتیجه مغلوبی نمی‌رسیم در حالی که در یک کار مشورتی، تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، همه‌جانبه‌تر است.

**در این میان وظیفه کنشگران اجتماعی مثل سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها در ترویج فرهنگ مشورتی چیست؟**

لازمه ایجاد این تغییر نگرش و تغییر رویکرد در جامعه، این است که هر نهادی که این دفعه را دارد، آسیب‌شناسی کند و نتایج و عواقب را به مردم گزارش و تصویرسازی درستی از پدیده‌های مثبت فعالیت‌های مشورتی و شورایی برای مردم ارائه دهد. من فکر می‌کنم ما در آموزش و ترویج کار گروهی در کشور مشکل داریم. البته اخیراً حرکت‌های جمعی خوبی در قالب NGOها، تعاونی‌ها و شرکتهای گروهی در کشور شاهد هستیم که کارهای خوبی است. با این حال اگر فرد یا سازمان ما شویم، می‌بینیم که حتی در آنها هم شخصیت‌گرایی و لقب‌گرایی دیده می‌شود و معمولاً یک‌نفر به سایر افراد سایه انداخته به‌همه باید تکنیک‌های کار گروهی را آموخت مردم ترویج دهیم، ما حتی در گفتگو با هم‌دیگر مشکل داریم و نمی‌توانیم حضور با هم حرف‌زنیم چون یاد نگرفته‌ایم نظر دیگر را گوش کنیم، فقط منتظر حرفش تمام شویم و ما جایش را به‌همه بسیاری از مسائل جزئی در این ارتباط جامعه وجود دارد که باید آسیب‌شناسی شود و دقیق مورد بررسی قرار گیرد. این می‌تواند رسالت رسانه‌ها باشد تا با پرداختن به این موضوعات در توسعه فرهنگی باری‌ساز باشند.

**مهم‌ترین چالش پیش‌روی جامعه در فضای اینترنت چیست؟**

اینترنت خیلی س در این مورد بدبین نیست، همان‌طور که گفتیم به تغییر نگرش جامعه امیدوار، همین که شما این موضوع را سوزده بررسی و نظر کارشناسی قرار داد، باید نشان می‌دهد که جامعه به این آسیب توجه می‌کند و این جای امیدوار دارد. از طرف دیگر، در جامعه امروز نیاز به حزب، گروه و تشکل از سوی مردم درک نشده و حرکت‌هایی به این سمت و سوی انجام شده است. زمانی مردم منتظر بودند تا دولت‌ها برایشان کاری کند ولی امروز می‌بینیم که شکل‌های گروهی با هدف‌های مشخص فعالیت می‌کنند و من این‌ها را می‌بینم که شما می‌توانید استفاد از آن‌ها در کنار هم با نظر خواهی از همه اعضا فعالیت می‌کنند و پیش می‌روند. پس این نشان می‌دهد، جامعه ما به‌سخت کار مشورتی و شورایی پیش می‌رود. همین که مردم در تصمیم‌گیری‌ها حرکت‌ها را در حرکت به سمت فرهنگ مشورتی است. روشنفکران، رسانه‌ها و فرهنگ‌ها اگر نتوانند این فرهنگ را در خود نهادینه کنند، قادر نیست بود آن را به مردم منتقل دهند. این فرهنگ نیست که همه چیز را از زاویه مردم ببینیم، ما خودمان هم کارشناسان داریم هنوز نمی‌توانیم با هم حرف‌زنیم، اگر وقت کنیم، بی‌توجهان و روشنفکران هم در کار گروهی چندان موفق نبوده‌اند چون یک‌حلقه از هم‌فکران خود را تشکیل می‌دهند و دور خودشان دیواری می‌کشند و نمی‌توانند با هم بی‌توجهان یا مخالفان خود گفتگو کنند که برای رسیدن به خرد جمعی در کارهای مشورتی، این حلقه هم باید زوری شکسته شود.



مهدی غنی در گفت‌وگو با «شهروند»:

# در آموزش و ترویج کار گروهی در کشور مشکل داریم

**مهم‌ترین چالش پیش‌روی جامعه در فضای اینترنت چیست؟**  
رومی آوریم در حالی که اگر کاری با مشورت انجام شود، آن بخشی از چندین نیاز برای کاری است که به تنهایی انجام شده است. گفتگوی «شهروند» با این فعال سیاسی - اجتماعی را در ادامه می‌خوانید.

انجام دهند مهدی غنی، پژوهشگر تاریخ و تاریخ در این‌ها را معتقد است، ما ایرانی‌ها معمول هستیم و دوست داریم خیلی‌سود کنیم و به نتیجه برسیم و همین می‌شود که به‌صورت و صرف‌زمان بیشتر برای یک فعالیت

طرح‌سوا فرهنگ مشورت و همکاری در جامعه ایرانی شایع است. مردم ما به‌جای استفاده از نظرات مختلف و همکاری گرفتن از دیگران در موضوعی ترجیح می‌دهند، هر فعالیت‌ها را براساس استدلال و نظر خود

تامل و هم‌کاری را پیش‌گیریم

**می‌توان گفت این روند تاریخی همچنان در کشور ما پابرجاست و ادامه دارد؟**

بله در این دوران این روند گریزی و روی آوردن به کارهای گروهی و خرد جمعی در ایران ظهور کرده است. به‌ویژه از دوران محمد باقر به‌بعد جامعه ایرانی به‌نوعی کار جمعی را ترمیم می‌کند ولی هنوز هم با چارچوب‌های مشکل‌داریم.

**فکر می‌کنید مهم‌ترین دلیل این که ما در مشورت کردن و در پرسوداری از نظر جمعی مشکل داریم چیست؟**

یکی از مهم‌ترین دلایل این نفاق مردم افراد این است که مردم ما خیلی عجز هستند و هر چیزی را می‌خواهند در کمترین زمان ممکن به نتیجه برسانند و به همین دلیل ترجیح می‌دهند خودشان تصمیم بگیرند و اجرائی‌اش کنند. به‌جای مشورت و اختلاف‌نظرهای پیش می‌آید، در ذهن‌های ما تفاوت‌های تجدیدنظر کرده، این ذهن‌ها می‌سازند. این دلیل است که ما در مشورت شورایی در بسیاری از مراکز کارایی ندارد و روند تصمیم‌گیری سخت است و



## چرا باید در همه امور مشورت کرد

می‌نویسد، در مورد مشورت، تصریح دارد بر بحث به‌شام نامه ۵۳ پنج‌بلاغه که نمای طوایف است، به‌مالک می‌گوید:  
چند گروه مشورت کن، یکی از گروه‌هایی که باید با آنها مشورت کنی، علمای هستند آن‌جا می‌فرمایند: «هو جالس العلماء» یعنی با افراد عالم به صحبت بپوشن، گزینش دیگر، مردم هستند که خدمت‌رسانی (توصیه می‌کنند یا گروه‌های خاصی از مردم مشورت کن سومیان دسته‌ای که به مالک می‌گوید از شور آنها استفاده کن، اهل ورع هستند در این‌جا حضرت عارت صریحی به‌کار می‌برد که خودت را به اهل ورع ببیسان. یعنی باید پیش از دیگران به این افراد نزدیک شوی و با آنها مشورت کنی و روح در لغت به معنی دوری از امور شهوات است. اول فرغ کنی هستند که علاوه بر رعایت واجبات و محرمات به

است. وقتی عقل‌ها در کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند، هر کدام می‌شود، آثار نور یک‌عقل پس بیشتر است.  
مشورت کن با گروه‌های صالح برهمین امر مشورت می‌کنند.  
«همه شوی» برای این بود که گروه‌ها را در نظر بگیرد.  
این خرد‌ها چون مصالح فرست بیست‌میلیار یک‌پوشش‌ترست بوکمبصیا می‌کنند در میان مشغلت گفتگو در میان  
**مثالی از پنج‌بلاغه در ذهن دارید که توصیه‌های حضرت امیر (ع) در مورد مشورت باشد؟**  
ایشان در نامه‌ای که در سال ۳۸ هجری به مالک اشتر، همدانی که او را به فرستادی ممر بر کرد،

ادامه از صفحه ۹

زندگی اجتماعی، کار انفرادی

می‌شوند. در این فضا طلاب علوم دینی به بحث علمی پرداخته در یک موضوع نظرات دیگری را استماع و نظر خود را نیز بیان می‌کنند این شیوه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز تبادل نظر عمیق دین بین اسلام بر ضرورت مشورت و همکاری در جامعه اسلامی است. اما نکته مهم این است که این فعالیت‌ها به‌جای حلقه‌های محصور شده و رندگانه است. هنوز علمای اسلامی ما همه در یک فضا نمی‌نشینند گفتگو نمی‌کنند. هر کدام را علمای دین به‌جای حلقه‌های محصور شده و رندگانه است. تقدیم می‌کنند، بدون این که دوروری بهم‌رسانند و به‌هم‌بصورت تصمیم‌گیری نمی‌کنند. ایشان در فضا در دانشکده‌ها نیز وجود دارد و استادیان هم در کام به‌صورت چانه‌ها فقط به نقد نظرات دیگر استادیان علمی پرداخته و حلقه‌ها فقط به گفتگو با هم هستند. به طریقی قطع این شرایط با تأکیدات دین بین اسلام و تعالیم این دین الهی تعارض و تناقض داشته و باید اصلاح آن تلاش کنیم.

شاید به همین دلیل باشد که دین مبین اسلام از نخستین روز بعثت پیامبر گرامی (صلوات الله علیه) بر ضرورت کار شورایی تأکید داشته و مسرد مردم را به اخذ مشورت از دیگران تشویق می‌کند. اما متأسفانه روحیه زهد در میان مردم ایران جایگاه ندارد. علم در صورت حرج با حتی به‌محدود به افراد نادان علمی نیست. متأسفانه در مجتمع علمی کشور، هم در حوزه پژوهشی به‌صورت افرادی بوده و روحیه کار جمعی و مشارکت علمی و کارهای مشترک داریم و نمی‌توانیم به کار جمعی تنگنا داریم. در حالی است که در فضای حوزوی ما تعالیم وجود دارد که بر رشته علمی آن به کار جمعی و شورایی تأکید دارد. در مقابل نمونه طلبان در تحصیل در فضای میانه وارد

مقاله

البته مولانا و مسود را استقامتی کند یکی، معرفت جوانی و دیگری معرفت عرفانی است. جلال‌الدین محمد معتقد است که از این دو معرفت می‌توان به حقیقت رسید. اما در حوزه معرفت عقلانی، هر کسی از ظن خود می‌گوید تا به حقیقت رسید. مولانا این موضوع را در جای‌جای مثنوی مطرح می‌کند که در امور دنیوی و عقلمانی فعلاً نیازمند مشورت هستیم. مولانا معتقد است که عقل‌ها می‌توانند به عقل یک‌نفر ناری بدهند و مشورت، به انسان هوشیاری می‌دهد.  
«مشورت در ادب و هوشیاری دهد. عقل‌ها مثل عقل زاری در ادب و هوشیاری دهد»  
عقل از باقی عقل باری‌کن امر شورایی بهمین‌ها کارکن»  
در جای دیگری می‌فرماید که عقل و خردمند نبودن